

"به نام او"

د رنظر بازی ما بی خبران حیرانند من چنانم که دگرانديشان دانند
عاقلان نقطه پرگار وجودند ولی عشق داند، که جملگی دایره حیرانند

"پیشگیری مثبت"

پیشگیری مثبت از نظر من باید با کار کردن روی افراد HIV انجام گیرد تا لافل کسانی که از بیماری خود اطلاع دارند با متحول شدن و نه تغییر دادن آنها راضی به انتقال این بیماری نشوند راهی که خودم در پیش گرفتم و خیلی به رشد معنویم در این چند سال کمک کرد .
مراقبه و نزدیکی به خدا و برگرداندن باورها و تغییر زاویه دیدم نسبت به زندگی به این صورت که :
زندگی می تواند به دو صورت باشد : یکی زندگی دنیوی ، نوعی زندگی عادی که پراست از آرزوها ، مالکیتها و موارد دنیوی دیگر . شکل دوم زندگی ، نوع روحانی و معنوی آن است که پر از آگاهی ، عشق و شفقت است .

در صورتیکه فرد در زندگی تمام توجهش معطوف به دنیا و مسائل مادی باشد به هیچ وجه به طور کامل راضی نخواهد بود . زندگی در بعد مادی به هیچ وجه ارضا کننده نخواهد بود مگر اینکه انسان از چشمه درونی خود سیراب گردد . در این صورت زندگی دچار یک جهش کوانتومی خواهد شد . فرد شروع به چشیدن نوعی طعم و شادی جدید می کند ، شادی که قبلاً " هرگز طعم آن را نچشیده بود و طعمی که در واقع از درونی ترین هسته وجود او ناشی میگردد . این کیفیتها را هیچکس به سالک نداده است بنابراین هیچکس نخواهد توانست آنها را از او بگیرد . " حتی مرگ نیز نمی تواند سالک را از آنها محروم کند . "

زندگی باید درونی باشد . من به هیچ وجه ضد دنیای مادی نیستم ، ولی اعتقاد دارم تنها دنیای مادی کافی نیست ، به همین علت است که عیسی مسیح میفرماید : " انسان نمی تواند تنها با

خوردن نان زندگی کند. " خوردن نان حتمی و لازم است ، ولی صرفا خوردن نان در زندگی، اصلا زندگی نیست . در این صورت زندگی هیچ ماورائی نخواهد داشت و از هر گونه جشن و سرور خالی خواهد بود و بسیار جالب اینکه شادی و لذت در رفتن به ماوراء و اوج و ابعاد جدید است شادی همیشه در حرکت از دانسته ها به نا دانسته هاست . لحظه ای که چنین حرکتی اتفاق میافتد لحظه سرور است و فقط این لحظات واقعی هستند و بقیه عمر تنها خواب و خیالی بیش نیست .

" عشق تنها پل میان انسان و خداست . "

عشق قایقی است که می تواند انسان را از این کرانه رود به کرانه دیگر ببرد . در صورتیکه برای رهایی تلاش کنید راه رها شدن را خواهید یافت . پس از رسیدن به خداوند همه آرزوها ناپدید میشود و رضایت کامل و حقیقی پیدا خواهد شد و سالک بطور کامل مورد لطف و برکت قرار خواهد گرفت . تمامی آموزشهای عرفا را می توان در یک جمله خلاصه کرد و آن "پذیرفتن" است این نکته یکی از مهمترین اصول مراقبه در زندگی است . خداوند رحمت و برکت است و هر چه انسان لطیف تر و مهربان تر شود، بیشتر در دسترس خداوند قرار خواهد گرفت .

یک سالک حقیقی باید توجه خویش را از بخش قابل رویت یعنی ماوی (معبد) به بخش غیر قابل رویت (خدا) معطوف دارد . هنگامیکه موجه شویم آگاهی موجود در درون ما چیست ، بدن به صورت یک معبد مقدس در خواهد آمد . در اینصورت است که انسان متعادل ، سالم و کامل خواهد بود . " قلمرو پادشاهی خداوند در درون شماست . "

این تجربه من در مورد پیشگیری مثبت بود اگر بتوانیم بذر درون خود را دوباره آبیاری کنیم هر روز ترسهای ما کمتر و عشق ما به زندگی سالم و مثمر ثمر بودن بیشتر خواهد شد . در نتیجه عشق بیشتر ، انرژی ناب الهی ما را در بر خواهد گرفت .

"عشق"

هنگامی که ماه در آسمان بالا می آید ، نقاشیش کن ، مجذوبش شو ، همه چیز را فراموش کن ، حتی خودت را !

فقط در آن هنگام است که " موسیقی بی صدا را خواهی شنید . "

هنگامی که درختان پر از شکوفه می شوند ، مانند یک گل با بازی نسیم به رقص درآ .

فقط در آن هنگام است که آن " موسیقی " را ، که درونی ترین لایه خویشتن است ، خواهی شنید

کسیکه این موسیقی را می شناسد ، زندگی را میشناسد،

" نام دیگر این موسیقی خداست "